

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

دگروال احمد قندهاری

۲۰ جولای ۲۰۱۳

ماه "رمضان المبارک"

با آن که چندین مقاله به قلم رسای نویسندگان محترم پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» به ارتباط ماه رمضان و فقر و سطح بیکاری در کشور های اسلامی به نشر سپرده شده، و به یقین که مورد مطالعه قرار گرفته و تکرار ضیاع وقت می باشد.

ولی نظریه پردازان، پروفیسران و علمای کرامی که نظر به تعریف علم، موضوعات دینی را شامل علم نمی داند و بنابراین علمای کرام دینی با علوم اجتماعی سرو کاری ندارند که از علم مبارزه طبقاتی و تضاد طبقاتی چیزی بفهمند تا علمیت شان ابعاد دیگری را نیز احتوا نماید و احکام و قوانین اسلامی را بر وفق آن تنظیم نمایند. مبرهن و روشن است که قوانین اجتماعی طبقاتی بوده و قوانین اسلام هم از آغاز طبقاتی بوده، و اکنون هم استثماری و در خدمت طبقات حاکم است لذا طبقاتی می باشد و در خدمت سروران جامعه.

به استناد مقاله علمی و پر محتوای نویسنده محترم آقای جاوید تاریخ (۷ / ۱۲ / ۲۰۱۳) یک خاطره ۳۵ سال قبل را یاد آور می شوم، اگرچه نظر به راپورتاژ های رسانه های بصری و سمعی امروزی نه تنها فقر همگانی گریبان گیر کشورهای اسلامی می باشد بلکه تحفه دیگری از جانب مافیای سرمایه معتاد بودن به مواد مخدره بر فقر شان افزوده شده است.

توأم با حلول ماه روزه (رمضان) به اساس تبلیغات رسانه های تصویری راجع به بلند بالا بودن و قدسیت این ماه چه نبود که نشنیدیم و گوشه ایم کر نشد.

ولی از دید و نظر این قلم:

- ماه مهمانی الهی برای سرمایه داران و ستمگران

- ماه رحمت الهی بر جنگ سالاران و زورگویان

- ماه بخشش و آشتی برای جنایتکاران اجتماعی.

- ماه گذشت بر ناقضان حقوق بندگان خدا.

- ماه دعا و نیایش برای دکانداران دین.

- ماه نزول قرآن برای مدارس طالبانی.

- و اما برای زحمتکشان و تهی دستان و به گفته شما فقراء چه ؟

ماه بیکاری و گرسنگی.

- ماه ناامیدی از دیدن غذا های متنوع بر سر سفره سرمایه داران مافیائی .

(اگر به پا خیزند دیگر نا امیدی و بندگی نخواهد بود)

- ماه اخذ صدقه و خیرات از مال دزدیده شده خود شان به معنی (توهین).

- ماه مریضی و خستگی.

- ماه اطاعت به قانون زورمندان.

- ماه حلقه شدن قانون آسمانی بر گرده زحمتکشان مسلمانان سراسر جهان.

با فرا رسیدن ماه روزه و به اصطلاح (رمضان المبارک) همه ساله خاطره تاریخی ام با گذشت ۳۵ سال باز هم در ذهنم زنده می شود: خاطره جواب آن زن تهیدست خدمه:

همه هموطنان با درد به یاد خواهند آورد که دهقانان فقیر و تهیدست کشور عزیز ما در آخرین سرحد فقر و زندگی از روستاها و یا دهات با اعضای خانواده و با دستهای خالی عازم سفر به طرف شهر ها می شدند، که بعد از مسکن گزین شدن در پیاده خانه ها ، خانه های حقیر فقیر نشین پس کوچه ها و یا هم بعضی تعمیر های نا تکمیل و گراج ها در کابل مخصوصاً، مرد های خانواده آغاز به کارهای روزمزدی و یا هم جوالیگری و به جوار مرد ها زنها و حتا کودکان به یک مزد بسیار نا چیز مشغول کار می شدند. که مزد حاصل شده به هیچ صورت کفاف نفقه شبانه روزی شان را برآورده نمی ساخت.

یکی از آنها مادر موسی بود که شوهرش با یک دست معیوب مشغول کار جوالیگری در بازار محل بود و خودش در خانه های محل به یک مزد بسیار نا چیز و کم در کارهای خانگی مشغول کار بود.

مادر موسی در محله و کوچه ما روزانه به چندین خانه سری می زد و با انجام کارهای متفرقه می توانست کمی پول مزدی به دست آورد. لذا همه روزه به خانه ما می آمد و در کارهای خانه با همسر که وظیفه معلمی داشت همکاری می کرد.

روزی در ماه به اصطلاح مبارک رمضان که هوا بسیار گرم بود و به نسبت شرایط جنگ نه خبری از برق بود، و نه از یخ و چون مادر موسی حامله بود، این چند سؤال و جواب بین ما رد و بدل شد:

سؤال: مادر موسی آیا روزه داری؟

جواب: آیا می توانم روزه نگیرم اری که روزه دارم.

سؤال: سحری (پس شبی) چه می خوری؟

طور عادی جواب گفت که پوله (پله جوار) همراه چای. حدس زدم که بدون شک چای هم تلخ است.

سؤال: چرا پله ؟

جواب : از نان خشک بهتر و ارزانتر است.

وقتی برایش گفتم روزه نگیر ، به جواب برابم گفت **جواب خدا را چه بدهم.**

همان خدائی که این بنده مطیع و فرمان بردارش را از رحمت نعمتش محروم ساخته. شنیدن آن چند جواب چنان بر من اثر گذاشت که از سوالاتم نزد خود بسیار متأثر و پیشیمان بودم. به یاد رحمت و ماه مهمانی خدا ماندم و شاکمی بودم از عدالت الهی که چرا این رحمت و مهمانی خدا بر مادر موسی ها عطا نمی گردد و یا این که آنها به پله و چای تلخ مهمان هستند.

اکنون سؤال این قلم از جناب محترم داکتر صاحب سعیدی:

مقالات فقهی شما را راجع به ماه مبارک رمضان دقیقاً مطالعه نمودم چون که از ایام جوانی مطالعات دینی و فقهی کمی در ذهنم به جا مانده با یک تفاوت که من پیروان پنج مذهب را در مکتب اسلام احترام میگذارم.

در مورد کهن سالان و شیوخ فانی و یا بزرگ سالان شرح مسأله نموده اید که با نداشتن توان و انرژی می توانند که روزه نگیرند ولی در عوض پرداخت فدیة به جا آورند که آن هم توزیع اندازه معینه غذا به مساکین و فقراء می باشد. کسی که خود غذای خوردن شبانه روزی را ندارند چطور می توانند که فدیة روزه نا گرفته را بپردازد. و همچنین از دانشمند گرانقدر آقای ازاد ل که ارزومندم صحت یاب شده باشند تمنا دارم تا در مورد سوالاتم راجع به رحمت و عدالت الهی بنده را از گمراهی بدور سازند.

نمی دانم که بعد از گذشت این همه بدبختی ها و گذشت چند دهه کشتار و آوارگی در میهن عزیز سرنوشت مادر موسی و پدر موسی چه خواهد بود، آرزو مندی حیات شان را دارم و به خصوص فرزندی که به آروزیش بود و در سالهای جنگ به دنیا آورد (نصیر جان) جوان برومند و دستیار مادر باشد. همسرم که به ایشان مساعدت های انسانی داشت همیشه از آنها یاد آوری می کند. به امید پیروزی زحمتکشان بر ستمگران جنایتکار.

د. ا. ق. -

۲۰۱۳/۱۶/۰۷

یادداشت:

با ابراز پوزش خدمت همکار گرامی ما آقای دگروال صاحب «قندهاری» از این که مطلب ارسالی شان دیر تر به چاپ رسیده است، خدمت شان عرض می داریم:

همکار گرامی ما آقای داکتر صاحب «سعیدی»، به ارتباط سوال ایشان راجع به چگونگی پرداخت فدیة از جانب غرباء مقاله مبسوطی را به جواب همکار گرامی دیگر ما آقای «جاوید»، ارسال داشتند که به تاریخ ۱۸ جولای در پورتال خودتان امکان نشر یافت. توجه تان را در مورد خواهانیم.

و اما رخ دیگر طرح این سوالات:

آنهایی که در داخل افغانستان چون آقایان «جاوید» و «قندهاری» زندگانی می نمایند، مشاهده زندگانی روزمره مردم غریب و در مانده کشور، آنها را بیشتر به طرف سوالاتی از این قبیل می کشاند، تا بپردانی که در ساحل آرام نشسته زیر تأثیر نشئه بیرهاندی دون کیشوت گونه به جنگ آسیابهای بادی رفته به زعم خودشان جهت تحقق «انقلاب جهانی» مغزهای علیل و بیمار شان را مصروف می سازند. چنین طرز دیدی صحت این ضرب المثل قدیم مردم را می تواند، به گوش ما نهیب بزند: «جائی می سوزد که آتش بالایش افتاده است» و یا «دود از جائی بر می خیزد، که بر آن آتش افتاده»

ویراستار مطالب اعتقادی پورتال AA-AA